



اهالی محله استاد یوسفی ۱۵ سال است پاتوقی دل نشین برای ورزش و دورهمی دارند

سبز و زیبا مثل «ارکیده»

توپ فوتبال در دست. دودرخت را تیر دروازه کرده اند. یکی دروازه می ایستد و آن یکی شوت می زند. محسن می گوید: زمین ورزشی محله ما تیر دروازه ندارد؛ برای همین بیشتر وقت ها با بچه ها در قسمتی از پارک که چمنش از بین رفته است فوتبال بازی می کنیم؛ الان هم منتظرم بقیه بچه ها بیایند تا بازی مان را شروع کنیم. نازنین خانم در ادامه صحبت های فرزندش می گوید: وجود این پارک برای اهالی محله ما موهبت بزرگی است، به ویژه اینکه در جوار مسجد قرار دارد و قبل و بعد از نماز با همسایه ها به اینجا می آییم. هم سر خود مان گرم می شود و هم بچه ها از بازی در محیطی امن و زیبای لذت می برند.

● جای خالی تاب و سرسره

دو سال پیش از شهرداری آمدند و چند دهه اصله درخت و درختچه مقاوم در برابر کم آبی در این پارک کاشتند. در حال حاضر سرو و اقا قیا و زبان گنجشک از گونه های درختی غالب این بوستان محلی است که در فصول مختلف با گل های فصلی تزئین می شود. چمن پارک هم برخلاف خیلی از فضاهای سبز که از بین رفته است، حال و روز خوب و شادابی دارد.

علی اکبر عصمتی ۶۸ سال دارد. کت و شلوار بر تن مشغول استفاده از تجهیزات بدن سازی است. او می گوید: اینجا نشیمن خوب، روشنائی مناسب و تجهیزات ورزشی کاملی دارد. وقتی هوا خوب است، هم صبح ها به پارک می آییم و هم عصر. ای کاش در بخشی از این پارک چند تاب و سرسره هم می گذاشتند که برای بازی کودکان از این هم مناسب تر باشد.

بیشتر پیاده روی و ورزش است. هر چند عده ای از نشیمن پارک برای مطالعه و دورهمی های خانوادگی و دوستانه هم استفاده می کنند. حسین می گوید: این روزها هوا بهاری است، نه سرد و نه گرم. بیشتر وقت ها با بچه ها قرار می گذاریم و نیم ساعت قبل از نماز مغرب و عشاء در پارک دور هم جمع می شویم. اول ورزش می کنیم و بعد هم برای نماز جماعت به مسجد می رویم.

● موهبتی به نام بوستان محلی

قدم زدن در پارک ارکیده در این روزهای بهاری خیلی می چسبد! هوا خوب است و مادرها دست بچه هایشان را گرفته اند و در این فضای ورزشی و تفریحی خوش می گذرانند. نازنین حشمتی، یکی از اهالی است که با فرزندانش در این بوستان حاضر شده اند. محسن ۱۰ سال دارد و احسان ۸ سال. هر دو لباس ورزشی بر تن دارند و یک



رضاری ای! اگر بگوییم بوستان خطی ارکیده یکی از مسیرهای جذاب پیاده روی و ورزش اهالی محله استاد یوسفی است. اغراق نکرده ایم. برای خیلی ها قدم زدن و ورزش کردن در این مسیر جذاب، زمستان و تابستان ندارد و مشورتی دائمی این فضای سبز هستند. صبح که می شود، اهالی در آن جمع می شوند و ورزش صبحگاهی به راه است؛ بقیه ساعات روز هم بوستان ارکیده، پاتوقی دل نشین برای نشستن و استفاده از فضای سبز شهری محسوب می شود.

● ورزش، قبل از اقامه نماز

بوستان ارکیده در سرتاسر خیابان استاد یوسفی ۲۷ امتداد دارد و از سمت دیگر به معبر شریعتی ۱۱ می رسد. این بوستان خطی بیش از یک هکتار وسعت دارد و از سال ۱۳۹۰ یکی از پاتوق های تفریحی اهالی محسوب می شود. برخلاف پارک هایی که ممکن است نا امن باشند، جو غالب این بوستان آرام است و همین باعث شده است افراد مختلفی از خیابان های دور و بر به آن رفت و آمد داشته باشند و از فضای دل نشینش استفاده کنند. شاید یکی از دلایل شلوغی و امنیت این فضای سبز، مسجد موسی بن جعفر (ع) باشد که در ابتدای خیابان استاد یوسفی ۲۷ و در مقابل این بوستان قرار دارد.

حسین نظری، از بچه های مسجدی محله، درباره این فضای سبز به ما می گوید: اینجا یک بوستان خطی است که برایش دوسری کامل از تجهیزات ورزشی در نظر گرفته اند که به فاصله دویست متر از هم قرار گرفته است. کاربرد این بوستان

محمد یاسین در روز چهارم رهبر شهید انقلاب ۴۰ درخت کاشت

نذر میوه برای بچه های بهزیستی

کاشتم. یک بار پدرم فیلمی به من نشان داد که رهبری در حال درخت کاری بودند. ایشان به این موضوع خیلی اهمیت می دادند و من نذر کرده ام هر سال روز چهارم شهادت ایشان، چهل درخت بکارم. البته امسال به یاد بچه های مدرسه میناب هم بودم و هر کدام از درختان را به نام ویاد یکی از بچه های شهید مدرسه شجره طیبه کاشته ام.

● چه درختانی کاشته ای؟

سیب، زرد آلو، گیلاس و آلبالو.

● با میوه هایش چه می کنی؟

نذر کرده ام هر سال میوه ها را به بچه های بهزیستی بدهم.

● تا حالا چند درخت کاشته ای؟

شاید نزدیک به صد درخت کاشته ام که بیشتر آن ها در باغ مادری ام در گوارشک بوده است. چند درخت هم در حیاط خانه و پارک و مدرسه کاشته ام.

● در زمینه درخت کاری کتابی خوانده ای؟

بله. از وقتی خواندن و نوشتن یاد گرفتم، چند کتاب خواندم؛ مثلاً کتاب «سیب ها چگونه رشد می کنند؟» و «ما یک درخت کاشتیم» که این یکی نشان می دهد یک درخت چگونه از یک نهال کوچک به درخت تنومند تبدیل می شود.

● آرزویت برای آینده چیست؟

دوست دارم یک باغ بزرگ میوه داشته باشم؛ آخر هفته به آنجا بروم و به درختان باغ رسیدگی کنم.



این درختان سیب، میوه می دهند و من این میوه ها را بین هم کلاسی هایم تقسیم می کنم.

● خاطره ای جالب از درخت کاری داری؟

یک بار خراب کاری خنده داری انجام دادم. وقتی خیلی بچه بودم، درختی را با مادرم کاشتم. او به من گفت: «هر دو روز باید این درخت را آب بدهی.» روز بعد، درخت را از ریشه در آوردم و زیر شیر آب گرفتم! مادر گفت «محمد یاسین چه کار می کنی! باید با سطل به درخت آب بدهی.»

● شنیده ام داستان درخت کاری

امسال با کمک خانواده ام چهل درخت در روز

چهل شهادت رهبر شهید انقلاب در باغ مادری ام

ریاحی یاسین از کودکی با عشق و علاقه به درخت و درخت کاری بزرگ شده است. هر وقت که در خیابان و پیاده رو ها راه می رود، سرش را بالای می گیرد و جویای احوال درخت ها می شود. کمتر پسر بچه ای است که در نه سالگی این طور درخت ها را بشناسد و هر سال خودش رامقید کند تا در روز درخت کاری، چند نهال بکارد. برای او باغ پدری و پارک سر کوچه و بیابان با هم فرقی ندارد؛ یاسین دوست دارد در گسترش فضای سبز محله و شهرش نقش داشته باشد.

محمد یاسین آخوندی، نوجوانی که همراه خانواده اش در محله نیروی هوایی سکونت دارد، امسال هم رویه درخت کاری اش را کنار گذاشت. او امسال به یاد رهبر شهید انقلاب که به درخت کاری علاقه ویژه ای داشتند و بچه های مدرسه میناب، این کار خدا پسندانه را انجام داده است.

● چه شد که به درخت کاری علاقه مند شدی؟

خانواده مادرم در بخش امروک روستای گوارشک، باغ میوه دارند. من از بچگی در این باغ ها بزرگ شدم و هر سال در کاشت نهال و چین میوه ها حضور داشتم؛ برای همین به درخت و درخت کاری علاقه مند شدم.

● چند سال بود که این کار را شروع کردی؟

پنج سالم بود. دایی ام دست من را گرفت و به باغ برد. چند نهال سیب به من داد و گفت: «کاشت و مواظبت از این درختان باتو. هر وقت هم ثمره داد، میوه هایش را جمع کن و به هر کسی که دوست داری بده.» دوسه سالی است که

